

تحلیلی بر نسخه خطی خمسه جامی به شماره ثبت ۵۹۹۵^۱

سید عبدالمجید شریف‌زاده*

چکیده

کتابخانه و موزه ملی ملک دارای هزاران نسخه خطی نادر و نفیس است. یکی از این نسخ، نسخه‌ای به شماره ثبت ۵۹۹۵ است که در صفحه اول آن عنوان «سبعه جامی» آمده است. این نسخه به خاطر ویژگی‌های خاص، انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت.

همبستگی ادبیات و نگارگری ایرانی در عرصه هنر کتاب‌آرایی پیوندی بی‌واسطه داشته است. هنرهایی که در جهت هرچه بهتر بیان کردن مضامین متنوع ادبی و زیباسازی آن شکل گرفته و در برخی از رشته‌ها حتی از آن مایه می‌گیرد و سخن شاعر یا نویسنده را به زبان خط و رنگ مجسم می‌کند. پژوهش بر روی این نسخه از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است که به شیوه اسنادی و مقایسه تعدادی از نمونه مجالس آن با نگاره‌های هم دوره خود انجام گرفته است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این نسخه دارای پنج مثنوی از هفت مثنوی جامی است. بنابراین نامی که در صفحه اول آمده می‌بایست خمسه جامی باشد نه سبعة. همچنین با آن چه در تاریخ‌های این نسخه آمده مشخص می‌گردد این نسخه و اورنگ اول آن همزمان با سروده شدن «تحفه الاحرار» کتابت شده است. همچنین می‌توان گفت این نسخه در زمان‌های متفاوت کتابت و در زمانی بعدتر تصویرگری شده که در تاریخ کتابت و نگارگری ایران بی‌سابقه نیست.

کلید واژه: تیموری، جامی، هفت اورنگ.



* دکتری پژوهش هنر، هیأت علمی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
s_a_majidsharifzade@yahoo.com

۱. موجود در کتابخانه و موزه ملی ملک

مقدمه:

زمینه‌های اجتماعی حکومت‌ها، در رشد و توسعه هنر نقش داشته‌اند، لازم است بستر تاریخی و مکانی این مقاله توصیف گردد. بنیان‌گذار این دودمان، تیمور گورکانی بود که در آسیای میانه می‌زیست و سمرقند پایتختش بود. امیر تیمور کشوری وسیع و دولتی عظیم ایجاد کرد و خطه ماوراءالنهر را به مقامی احر اهمیت رسانید که تا آن زمان هیچ‌گاه بدان پایه نرسیده بود. او مرزهای خود را نخست در سرتاسر آسیای میانه و آنگاه سرتاسر خراسان و سپس در همه بخش‌های ایران و عثمانی و بخش‌هایی از هندوستان گسترده.

تیمور با این‌که بسیار خونریز بود ولی به دانش و هنر کشش نشان می‌داد، احر این‌رو هنرمندان و صنعتگران احر کشتارهایش در امان می‌ماندند. هنر نگارگری نیز در این دوره از تاریخ ایران به شکوفایی قابل توجهی رسید. شاهرخ طرفدار جدی علوم و صنایع بود. پسر او، الغ‌بیک، فرمان داد زبجی ترتیب دادند. بایسنغر میرزا شاهزاده و امیری هنرمند و هنرپرور بود و از حامیان هنر و فرهنگ طراز اول عهد خود به شمار می‌رفت. حسین بایقرا نیز حامی علوم و ادبیات بود. ابوسعید، پادشاه توانا، باکفایت و هزدوست این خاندان نیز خود هنرمند بود. او طرفدار متصوفه و اهل عرفان بود و مشایخ صوفیه را گرمی می‌داشت و بعد او بود که خاندان تیموریان به صوفی‌گری روی آوردند. یکی از شاعران مطرح در این عهد نورالدین عبدالرحمن جامی است. نسخه‌ای مربوط به عهد تیموری از این شاعر در کتابخانه و موزه ملی ملک موجود است. کتاب شناسی این نسخه بدین شرح است:

جامی (۲۳ شعبان ۸۱۷ - ۱۷ محرم ۸۹۸ ه.ق.)

نسخه دارای پنج مثنوی از هفت مثنوی جامی است که به هفت اورنگ مشهور است.

تعداد صفحات: ۳۸۱ صفحه

اندازه جدول: ۱۳۳×۲۲۵ میلی‌متر، چهار ستونی، ۲۱ سطر

کاغذ متن: زرافشان پراکنده

جلد: سوخت

و دارای ۱۹ مجلس.

آخرین تاریخ موجود در نسخه ۹۸۵ ه.ق. است که به خط محمد بن علاء الدین زره به ولایت باخزر در قریه زره کتابت شده است. در پایان نام احمد بن هلو اردلان به عنوان صاحب اولیه نسخه آمده است.

از آن‌جا که این نسخه دارای تاریخ‌های متعدد است، سوآلی مهم در خصوص این نسخه مطرح است:

- آیا وجود تاریخ‌های متعدد را می‌توان نشان جعلی

بودن نسخه دانست؟

با طرح فرضیه‌ای بر نسخه می‌توان به سوآل مطرح شده پاسخ داد و اثبات کرد که نسخه اصل است.

- فرضیه: جاعلان نسخ خطی برای فروش راحت‌تر نسخه اصولاً سعی در یک دست کردن نسخه از نظر زمان کتابت و نگارگری نسخه خواهند داشت. با توجه به تعدد تاریخ و تصویرسازی نسخه در زمانی دورتر مسأله جعلی بودن منتفی است.

تیموریان

ایران در سال ۷۸۲ق. به دست کسی افتاد که در قدرت طلبی تقریباً همانند چنگیزخان بود (میرجعفری، ۱۳۸۸. ۵). ابن عربشاه با وجود این‌که از مخالفان تیمور محسوب می‌شود، می‌نویسد: «تیمور دوستدار دانش و دانشمندان بود و فضلا و سادات و بزرگان را بسزا نواخته، آنان را گرمی و به خود نزدیک و بر همه عامیان مقدم می‌داشت. هر یک را جایگاهی شایسته آورده و حق حرمت آنان را نیک می‌شناخت و در مباحثه، سخن به مقتضای حشمت و احر روی انصاف می‌گفت. قهرش به مهر آمیخته و عنفش در لباس لطف نهفته بود» (همان، ۶۷).

تیمور همواره در کنار خود دانشمندان داشت و ارتباط خاصی هم با اعضای فرق دینی، علما و به طور کلی با نمایندگان حیات دینی برقرار کرده بود و با آنها به گفتگو می‌نشست (رومر، ۱۳۸۷. ۱۲۰).

به اهل صنعت و پیشه نیک شیفته می‌شد و هر صنعت را که به کمال می‌دید بدان فریفته می‌گشت. به شاعران و بذله‌گویان خشمگین بود و پزشکان و ستاره‌شناسان را مقرب داشته، سخنان در گوش می‌گرفت و به کار می‌بست. همچنین در این خصوص در کتاب منتخب التواریخ آمده است: «با اهل حکمت و ارباب دانش به غایت مستأنس بودی و در اعزاز و اکرام ایشان مبالغه نمودی». از تمام منابع تیموری چنین مستفاد می‌گردد که تیمور پس از غلبه و فتح هر شهر و ناحیه، علما و دانشمندان و هنرمندان و صنعتگران آن شهر و ناحیه را جمع کرده و آنها را به سمرقند می‌فرستاد (میرجعفری، ۱۳۸۸. ۶۸).

می‌گویند تیمور به هنر نقاشی و کتاب‌آرایی دلبستگی داشت و به ویژه به شیوه نقاشی مانویان علاقه نشان می‌داد. از دوره وی آثار بسیاری به جا مانده است. در روزگار او هنر کتاب‌آرایی همچنان در تبریز و به ویژه در شیراز و هرات رواج بسیار یافت از این میان شیوه شیراز را باید زنده کننده مستقیم سنت‌های نقاشی کهن ایرانی به شمار آورد.

نام‌آورترین هنرمند دوره تیموری، کمال‌الدین بهزاد است که او را به علل بی‌شماری صاحب مکتب دانسته‌اند. پس از وی شیوه او را قاسم علی دنبال کرده است. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی هرات را گشود بهزاد هنوز در قید زندگی بود. شاه اسماعیل او را گرامی داشت و با خود به تبریز برد و ریاست کتابخانه سلطنتی را به وی داد. در این دوره و سال‌های پس از آن شاگردان و همکاران نامی بهزاد عبارت بودند از: شیخ زاده، خواجه عبدالعزیز، آقا میرک، سلطان محمد، میرسید علی و مظفر علی که اثر آنان آثار گران‌بها از جمله نقاشی‌های بسیار نفیس متعلق به خمسه نظامی که اکنون در موزه بریتانیا است بجای مانده است (تجویدی، ۱۳۴۵، ۸ و ۹).

هنرپروری خاندان تیموری بیش از شیراز در هرات جلوه نمود. بایسنغر میرزا پس از آن‌که به فرمان شاهرخ حکومت هرات را به دست گرفت، کتابخانه - کارگاه بزرگ خود را در این شهر برپا کرد. او، برجسته‌ترین استادان زمان را از سراسر ایران در دربار خویش گرد آورد (پاکباز، ۱۳۸۰، ۷۳).

هرات درخشان‌ترین سال‌های هنری خود را یک‌بار در دوران سلطنت شاهرخ میرزا و با محیط هنری بایسنغر میرزا و با دیگر با فعالیت‌های دوره حکومت سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیرنویایی گذرانده است. مخصوصاً در دوره دوم که چهار سال طول کشید آن چنان پیشرفت کرد که به صورت مرکز ادبی و هنری آن دوره درآمد و در آن آثار معماری پرارزشی با طاق‌ها، طاق‌نماها و گنبد‌های مرتفع آراسته و با کاشی‌های معرق بنا گردید. از آن جمله، مجموعه ساختمان‌های شاهرخ میرزا، گوهرشاد خاتون، سلطان حسین بایقرا، امیرعلیشیرنویایی و قصرها، باخراها، پل‌ها و... را می‌توان نام برد.

در این دوره با استفاده از عناصر اواخر دوره اویغوری و بعد از سلجوقی و سنن دوره‌های قبل، هنر، عالی‌ترین راه ترقی خود را پیمود و آثار هنری بسیار ارزنده و گران‌بهای به وجود آمد. به ویژه در رشته «هنرکتابت» با فعالیت مشترک خوشنویسان، مصوران، نقاشان، مجلدان و مذهبیان و جز آنها بهترین آثار آن دوره و آثار مشابه دوره‌های قبل تهیه گردید. میرعلی تبریزی و فرزند او عبدالله، جعفر تبریزی، شمس‌الدین محمد هراتی، مولانا اظهر تبریزی (استاد استادان) و سلطان علی مشهدی از معروف‌ترین خوشنویسان آن دوره هستند. از مصورین خلیل میرزا، غیاث‌الدین نقاش و کمال‌الدین بهزاد هنرمندانی بودند که آوازه نام و شهرتشان در فراسوی مرزهای زمان و مکان گسترش یافت.

بایسنغر میرزا به تشکیل مراکز هنری و تشویق هنرمندان علاقه فراوان داشت و از دوستداران هنر و حامی بزرگ هنرمندان آن دوره به حساب می‌آمد. شاهزاده علاوه بر فعالیت‌های دولتی اش شاعر و خوشنویس ماهری نیز بود. وی به سال ۷۹۹ق. در شهر هرات چشم به جهان گشود. از هیجده سالگی به رتق و فتق امور دولتی پرداخت سپس به حکومت خراسان و آذربایجان رسید و در سال ۸۲۰ق. به ولایت‌عهدی منصوب گردید. در دوران ولایت عهدی اش اثر هرات پای به بیرون نهاد. پدرش، شاهرخ میرزا، در کارهای دولتی برایش صلاحیت فراوان قایل بود و گاه‌گاهی در جنگ‌ها، او را اجازه شرکت می‌داد. شاهزاده خط ثلث را نیکو می‌نوشت و علاوه بر زبان ترکی که زبان مادری اش بود به زبان‌های فارسی و عربی نیز تسلط داشت و با آنها شعر می‌سرود. آدمی فوق‌العاده ظریف، عادل و در میدان نبرد شجاع و بی‌باک بود. شاهنامه را خوب می‌دانست و تاریخ‌نویسان را گرامی می‌داشت. دانشمندانی چون جعفرالحسینی و حافظ ابرو از حمایتش برخوردار بودند. به خاطر علاقه فراوانی که به کارهای هنری داشت بیشتر اوقات خود را بین هنرمندانی که در دربار مشغول بودند می‌گذراند و در مجامعی که با شرکت بزرگان، ادبا، دانشمندان، هنرمندان و موسیقی‌دانان تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد. تشویق و حمایتی که بایسنغر میرزا از هنرمندان می‌کرد همراه ترقی و پیشرفت هنر را هموارتر ساخت. آثار پرارزش و بی‌نظیری که در نتیجه توجه بایسنغر میرزا در مدت ۱۰ سال به دست هنرمندان آن دوره در هرات به وجود آمد، کیفیت فعالیت‌های هنری دوره تیموری را به خوبی نشان می‌دهد. وی در هفتم جمادی‌الآخر سال ۸۳۷ق. درگذشت و در مجموعه گوهرشاد خاتون به خاک سپرده شد. سال‌ها بعد در همان محل به یادبودش مقبره بزرگی بنا گردید (پارسای قدس، ۱۳۵۶، ۴۳ و ۴۴).

یکی از مشهورترین ادیبان و شاعران دوره تیموری، عبدالرحمن جامی است. نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن نظام‌الدین احمد بن محمد جامی، شاعر، نویسنده، دانشمند و عارف نام‌آور قرن نهم، بزرگ‌ترین استاد سخن بعد از عهد حافظ و به نظر بسی از پژوهندگان، خاتم شعری بزرگ پارسی‌گوی است. تخلص او در شعر، جامی است و او خود گفته است که این تخلص را بر نسبت برگزیده است: نخست اثر آن روی که مولد او جامر بود و دیگر آنکه رشحات قلمش از جرعه جام شیخ الاسلام احمد جام معروف به شرنده پیل سرچشمه می‌گرفت... (صفا، ۱۳۶۴، ۳۴۷ و ۳۴۸).



تصویر ۱ - روی جلد، نسخه خمسه جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

آثار جامی

آثار منظوم، جامی را در ردیف گویندگان بزرگ ایران درآورد؛ قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات. جامی دیوان خود را در سال ۸۹۶ هـ.ق. به تقلید از امیر خسرو دهلوی در سه قسمت مدون نمود:

الف) فاتحه الشباب (دوران جوانی) ب) واسطه العقد (اواسط زندگی) ج) خاتمه الحیاه (اواخر حیات). وی دیوان خود را در اواخر عمر به تقلید از امیر خسرو دهلوی به رشته تحریر درآورد. سه دیوان جامی مشتمل است بر قصاید و غزلها، مقطعات و رباعیات.

آثار مثنوی وی نیز عبارتند از:

بهارستان، شواهد النبوه، اشعه اللمعات، نقد النصوص، لویح و لوامع، رساله وحدت وجود، رسالات، نی نامه، رسایل، شرح مثنوی، نفاتح الانس، منشآت و هفت اورنگ که خود مشتمل بر هفت کتاب در قالب مثنوی است.

هفت اورنگ

هفت اورنگ که زبده ترین آثار جامی است، عبارت است از: اورنگ اول) سلسله الذهب؛ مثنوی طولانی به بحر خفیف در ذکر حقایق عرفانی که از سه دفتر فراهم می آید و در سالهای ۸۷۳-۸۷۷ ق. سروده شده است.

اورنگ دوم) مثنوی سلمان، یا سلمان و ابسال؛ به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور، حاوی اشارات عرفانی و اخلاقی همراه با حکایات و تمثیلات. این منظومه رمزی مبتنی بر داستان سلمان و ابسال است که ابن سینا در کتاب الاشارات و التنبیهات بدان اشاره دارد، خواجه نصیرالدین طوسی آن را در شرح اشارات توضیح داده و جامی از مبانی و رموز آن در این داستان استفاده کرده و آن را به صورت مشروحی درآورده است. این مثنوی در سال ۸۸۵ ق. تألیف شده است.

اورنگ سوم) تحفه الاحرار؛ منظومه ای است به بحر سریع در وعظ و تربیت همراه با حکایات و تمثیلات بسیار در بیست مقاله که در سال ۸۸۶ ق. سروده شده است.

اورنگ چهارم) سبحة الابرار؛ منظومه ای است در یکی از اوزان بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فعلن) در ذکر مقامات سلوک و تربیت و تهذیب که شاعر آن را در چهل «عقد» تنظیم کرده و در هر یک از این «عقد»ها، اصلی اثر اصول عرفانی و اخلاقی مطرح ساخته و در آن بحث نموده و به مناسبت، حکایات و تمثیلاتی آورده است. این منظومه در سال ۸۸۷ ق. سروده شده است.

اورنگ پنجم) یوسف و زلیخا به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف در ذکر داستان یوسف زلیخا چنانکه مشهور است. جامی این منظومه عالی داستانی و عشقی را برای نظیره سازی بر خسرو و شیرین نظامی در سال ۸۸۸ ق. سروده است.

اورنگ ششم) لیلی و مجنون که به یکی از اوزان بحر هزج، یعنی بر وزن و پیروی لیلی و مجنون نظامی (مفعول مفاعیلن فعولن) در سال ۸۸۹ ق. سروده شده است.

اورنگ هفتم) خردنامه اسکندری به بحر متقارب، در ذکر حکم و مواعظ از زبان فیلسوفان یونان که هر یک را به عنوان خردنامه نامیده است. مثلاً خردنامه ارسطاطالیس و خردنامه سقراط و جز آن ها. این منظومه در حدود سال ۸۹۰ ق. سروده شده است (صفا، ۱۳۶۴، ۳۵۹ و ۳۶۰).

تحلیل نسخه

مرحوم منزوی در جلد دوم فهرست و ابره کتاب های فارسی می گوید: قدیمی ترین نسخه خردنامه اسکندری جامی را به سال ۸۹۰ ق. پیشکش حسین میرزا کرده است (منزوی، ۱۳۷۵، ۹۵۶).

نسخه خطی خمسه جامی به شماره ثبت ۵۹۹۵ موجود در کتابخانه موزه ملک:

این نسخه دارای ۳۸۱ صفحه است. اندازه جدول آن ۱۳۳×۲۲۵ میلی متر، دسرای چهار ستون در ۲۱ سطر بوده که بر روی کاغذ متن زرافشان پراکنده کتابت شده است. نسخه دارای جلد سوخت و ۱۹ مجلس است. با بررسی های به عمل آمده، نسخه دارای تاریخ های متفاوت بدین شرح است:

اولین تاریخ مربوط به تحفه الاحرار به سال ۸۸۶ هـ.ق.، تاریخ دوم مربوط به سبحة الابرار به سال ۸۸۴ هـ.ق.

و تاریخ سوم مربوط به لیلی و مجنون به سال ۹۷۵ هـ.ق. آخرین تاریخ موجود در نسخه ۹۸۵ هـ.ق. است که به خط محمد بن علاء الدین خرره به ولایت باخزر در قریه زره کتابت شده است. در پایان نام احمد بن هلو اردلان به عنوان صاحب اولیه نسخه نیز ذکر شده است.

درون جلد لچک ترنجی به رنگ آبی لاجوردی وجود دارد. در صفحه ای که مهور به مهر کتابخانه و موزه ملک است، ترنج دایره ای شکل به قطر ۶۰ میلی متر وجود دارد و در سمت چپ پایین ترنج، بر قسمت مرمت یافته نوشته شده: سبعة جامی؛ در حالی که نسخه دارای پنج اورنگ از هفت اورنگ جامی است.



تصویر ۲ - درون روی جلد، نسخه خمسه جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

تاریخ موجود در نسخه نیز ۵۸۸۶ ق. است. با توجه به همزمانی سرایش و نگارش نسخه می‌توان این نسخه را قدیمی‌ترین نسخه تحفه الاحرار تلقی کرد. در صفحه ۱۴ این نسخه، نگاره‌ای موجود است که از نظر دوره متعلق به زمانی غیر از نگارش نسخه است.



تصویر ۴ - ترنج دایره‌ای شکل به قطر ۶۰ میلیمتر. نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

صفحهٔ نخست این نسخه با این بیت آغاز می‌شود:
دیو که غارتگر این مرحله است
بسملش از خنجر این بسمله است
با توجه به هفت اورنگ جامی، این بیت، هشتمین بیت از «در فتح باب سخن ب ب بسمله که دندانۀ بایش کلید در گنج حکیم است و نوای سینش صلاهی سرخوان کریم» (جامی، بی‌تا). (۳۶۷) از اورنگ سوم (تحفه الاحرار) است. تحفه الاحرار با بیت «بسم الله الرحمن الرحیم هست صلاهی سرخوان کریم» (همان، ۳۶۷) آغاز می‌گردد. این اورنگ بدون سرلوح و فاقد هشت صفحهٔ آغازین اورنگ است. این اورنگ در سال ۵۸۸۶ ق. سروده شده است.



تصویر ۳ - صفحهٔ ترنج و نوشتهٔ سبعةٔ جامی. نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



تصویر ۵ - صفحهٔ آغازین نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

در تاریخ استنساخ و دوره نگاره‌ها آماده کنند تا بتوانند به راحتی این نسخه‌ها را به فروش برسانند. به منظور شناخت بهتر مجالس این نسخه با نگاره‌های هم عصر خود، مقایسه‌ای بین اجزای این نگاره‌ها با نمونه‌های مشابه در زیر صورت گرفته است:
در صفحهٔ ۲۹، دومین نگاره با موضوع حکایت بطان با کشف که داستان مشهوری لاک پشت و مرغابی‌هاست، آمده است. شیوهٔ اجرا مربوط به مکتب قاجاری و ابعاد اثر ۱۴۷×۱۲۲ میلی‌متر است.
در صفحهٔ ۴۵ نسخه، خاتمهٔ کتاب اول آمده است که چنین نوشته شده است: «به سر حد اتمام رسیده شد و در

با توجه به نگاره، اولین مسأله‌ای که به چشم می‌خورد دورهٔ به تصویر درآمدن آن است که متعلق به زمان نرند و قاجار است. این دوگانگی زمان، مشخص می‌کند کتابت در یک دوره و تکمیل نسخه در دورهٔ دیگر انجام شده است که در کتاب‌آرایی ما سابقه دارد. به عنوان نمونه می‌توان به نسخهٔ خمسهٔ نظامی مکتب تبریز اشاره کرد که اصل آن در زمان شاه تهماسب تهیه شده و چهارم صفحه از آن توسط محمد زمان در زمان شاه عباس دوم، پس از یک صد سال ساخته شده است. اگر بخواهیم در نظر بگیریم نسخه جعلی است باید متذکر شویم جاعلان نسخ خطی سعی می‌کنند که نسخه‌ای یک دست ظاهر، بدون تفاوت



تصویر ۶-
مجلس اول: نسخهٔ خمسۀ جامی،
کتابخانه و موزۀ ملی ملک



تصویر ۷- قلمدان،
ایران، ۱۱۶۰ تا ۱۲۱۱ هـ.ق،
احتمالاً اثر صادق.
(خلیلی، ۱۲۸۶، ۹۹)



تصویر ۹- خاتمۀ کتاب اول، نسخهٔ خمسۀ جامی، کتابخانه و موزۀ ملی ملک



تصویر ۸- مجلس دوم: نسخهٔ خمسۀ جامی، کتابخانه و موزۀ ملی ملک

تصویر ۱۰ -
مجلس سوم: نسخهٔ خمسهٔ جامی،
کتابخانه و موزهٔ ملی ملک



رشتهٔ انتظام کشیده آید این مهرهای خراشیده اخر صدف و خرف تراشیده هر چند چون عقد لولوی آید اخر گردنبند سروان و گوشوارهٔ هنرپرووران سرا نشاید امیدست که سبجهوار دست او را از پافتادگان و انگشت نهای سر رشته از دست دادگان گردد اتمام انتظام این تحفه در ماه تسبیح و شهر تراویح منتظم در سلک شهور سنه ست و ثمانین و ثمان مایه لازال مبارکا علی کل فیه اتفاق افتاد والحمد لله الکریم الجود و الصلواه علی محمد و آله خیر العباد و سلم تسلیما کثیرا کثیرا تم»

در پایان اورنگ اول تاریخ «ست و ثمانین و ثمان مایه» (۸۸۶ ه.ق.) آمده است اما در این قسمت نامی اخر کاتب نیامده و تاریخ با حروف نوشته شده است. در صفحهٔ ۴۶، مجلس سوم با عنوان «مجنون در کنار کعبه» با ابعاد ۱۲۵×۲۲۲ میلی‌متر، در مکتب قاجار ساخته شده است.



تصویر ۱۱ -
روی قاب آینه، ایران،
حدود ۱۲۱۲ ه.ق، احتمالاً محمدهاشم موسوی
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۰۱)



تصویر ۱۲ -
سرلوح نسخهٔ خمسۀ جامی،
کتابخانه و موزۀ ملی ملک

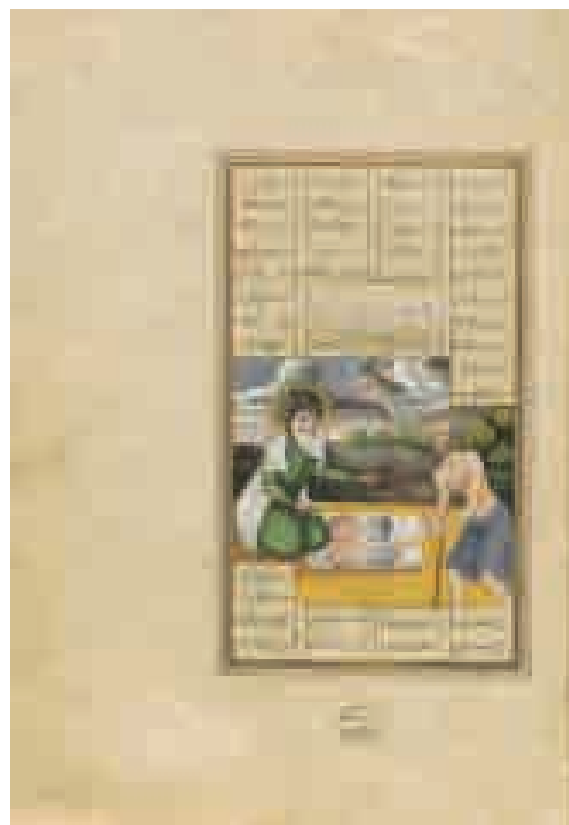


صفحهٔ ۴۷ نسخه، با سرلوحی به ابعاد ۱۱۹ × ۱۲۹ میلی‌متر، متعلق به سبحة الابرار از اورنگ دوم این نسخه آغاز می‌شود. این اورنگ در سال ۸۸۷ ه.ق. سروده شده و تاریخ موجود در نسخه ۹۸۴ ه.ق. است.

در صفحهٔ ۸۲ نسخه، نگارهٔ دیگری با عنوان «حکایت در عتاب کردن باری تعالی ابراهیم خلیل (ع) سرا و رسیدن آن پیر آتش پرست به دولت اسلام» با ابعاد ۱۲۱ × ۱۰۹ میلی‌متر وجود دارد.

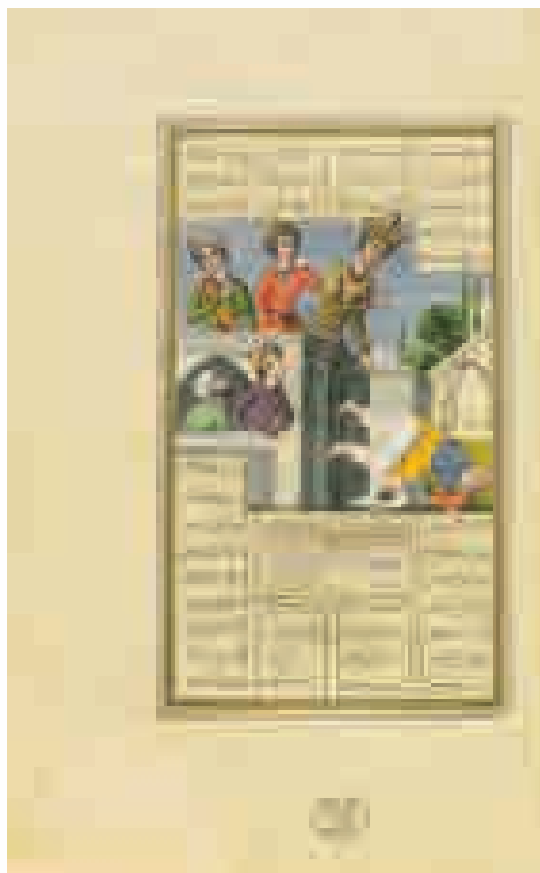
تصویر ۱۳ - مجلس چهارم: نسخهٔ خمسۀ جامی،
کتابخانه و موزۀ ملی ملک

تصویر ۱۴ - پشت قاب آینه با درپوش،
ایران، حدود ۱۲۱۲ ق، احتمالاً محمد هاشم موسوی
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۰۲)



ابره‌ای این نگاره و فرشته تصویر شده در آن شباهت بسیاری به سبک نقاشی‌های دوره قاجار دارد؛ برای مقایسه، نگاره موجود در قاب آینه لاک‌ای اثر محمد هاشم موسوی انتخاب شده است.

در صفحه ۹۶ نسخه، نگاره حکایت آن پیر خارکش که از خار خاریش گل عزت می‌گشاد و چو آن سرناوش که از گل عزتش بوی خار پیدا، به ابعاد ۱۲۰ × ۱۱۷ میلی‌متر وجود دارد.



تصویر ۱۵ - مجلس پنجم:
نسخهٔ خمسهٔ جامی،
کتابخانه و موزه ملی ملک

تصویر ۱۶ - قلمدان، قرن ۱۳ ه.ق.
(۱۲۱۲ ه.ق.)، احتمالاً اثر صادق
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۰۰)



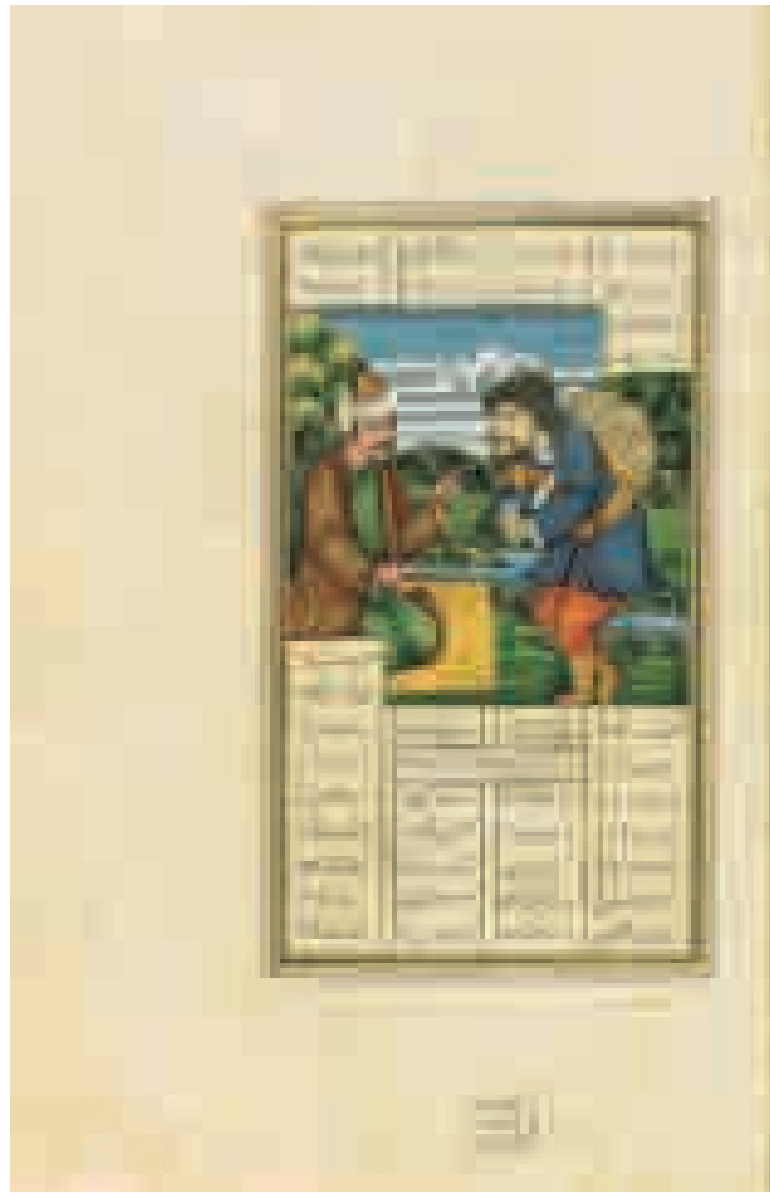
تصویر ۱۷ - صندوقچه،
ایران، حدود قرن ۱۳ ه.ق.
اوایل دوران قاجار، احتمالاً میرزا بابا
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۹۵)

تصویر ۱۸ - داخل درپوش قاب آینه،
ایران، ۱۲۳۱ ه.ق.، محمد زمان
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۷۵)

مقایسه نگاره مجلس ششم با اثر رضا عباسی، نشان می‌دهد که نگاره، کاملاً برگرفته اثر رضا عباسی است و این یک ویژگی و خصوصیت نگارگری ایران بوده که در طول تاریخ نگارگری وجود داشته است. وقتی یک اثر در اوج قرار می‌گرفته هنرمندان دیگر اثر آن ایده می‌گرفتند؛ گاهی عین به عین کشیده می‌شد و گاهی تغییراتی جزئی در آن می‌دادند و اثر را حفظ می‌کردند. فرم ایستادن، نوع کشیدن ریش، طرز قرار گرفتن پاها و دست‌ها در هر دو نگاره شبیه هم هستند.

▶ تصویر ۱۹ - مجلس ششم:
نسخهٔ خمسهٔ جامی،
کتابخانه و موزه ملی ملک

▼ تصویر ۲۰ - رضا عباسی،
چوپان، ۱۰۴۳ ق.ه. (آژند، ۱۳۸۵، ۱۱۱)





تصویر ۲۲ - مجلس هشتم: نسخهٔ خامهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



تصویر ۲۱ - مجلس هفتم: نسخهٔ خامهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

مجلس دهم این نسخه در صفحه ۱۷۷، فرستادن زلیخا یوسف علیه السلام را به جانب باغ و تهیهٔ اسباب کردن به ابعاد ۱۱۹ × ۱۱۹ میلی‌متر است.

در صفحه ۱۹۳ نسخه، نگاره‌ای مربوط به داستان معروف مجلس ورود یوسف به جمع زلیخا و زنان مصری با ابعاد ۱۳۶ × ۱۲۹ میلی‌متر آمده است که بسیاری از نگارگران، این داستان را تصویر کرده‌اند.

طبق روایات زلیخا دستور داد تا مجلسی بیاریند و تمام زنان دربار در آن جمع گردند. همسر عزیز مصر به هر زنی کاردی داد تا با آن ترنجبی را ببرند سپس به یوسف دستور داد تا در مجلس زنان داخل شود. وقتی دیدهٔ آنان به یوسف افتاد، همگی دست‌های خود را بریده و گفتند: (این هذا إلا ملک کریم) همسر عزیز نیز از این فرصت استفاده کرده و خطاب به آنها گفت: (ذالکن الذی لمتنی فیه، و لقد راوته عن نفسه فاستعصم و لئن لم یفعل ما أمره لیسجنن) این همان غلامی است که نسبت به دوستی او مرا ملامت

نگاره دیگری که در این نسخه با الهام از نگارهٔ دوسرهٔ صفوی تصویر شده، نگارهٔ معراج پیامبر (ص) است. در اولین نگاه شباهت و الگوگیری از نگارهٔ معراج سلطان محمد به خوبی مشخص است؛ اما در قیاس این دو نگاره مشخص می‌شود که نگارهٔ مکتب قاجاری ترکیبی بسیار شلوغ دارد در حالی که در اثر سلطان محمد نظمی خاص در نگاره مشاهده می‌شود.

یوسف و زلیخا، اورنگ سوم این نسخه سروده شده در سال ۸۸۸ ه.ق. است. این اورنگ با سر لوح مذهب در صفحه ۱۲۵ نسخه با ابعاد ۱۱۹ × ۱۳۶ میلی‌متر آغاز می‌شود.

مجلس نهم این نسخه در صفحه ۱۶۲ مربوط به اورنگ یوسف و زلیخا با موضوع «سرسیدن کاروان به سر چاه و یوسف علیه السلام را بیرون آوردن و یک بار دیگر عالم را با آفتاب جمال وی روشن کردن» به ابعاد ۱۴۷ × ۱۱۵ میلی‌متر است.



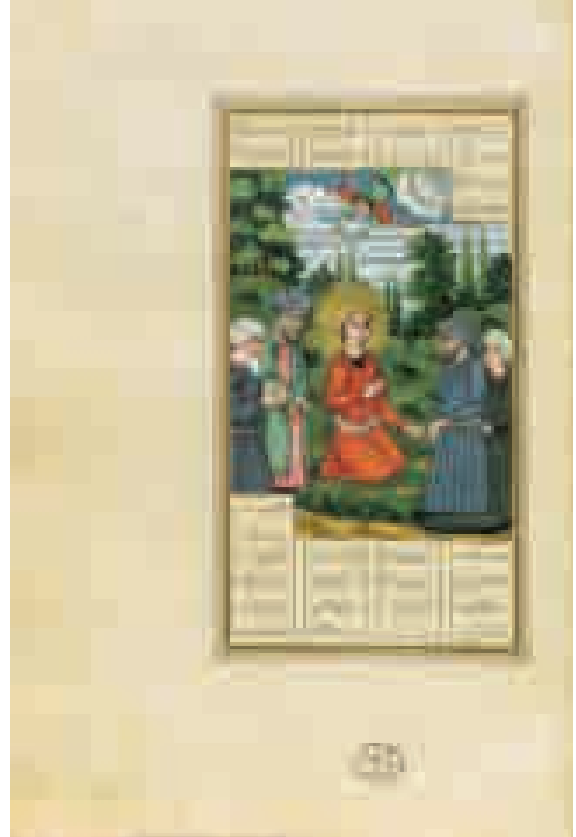
تصویر ۲۳ - معراج، سلطان محمد. Braziller. ۱۹۳۹. ۹۶.



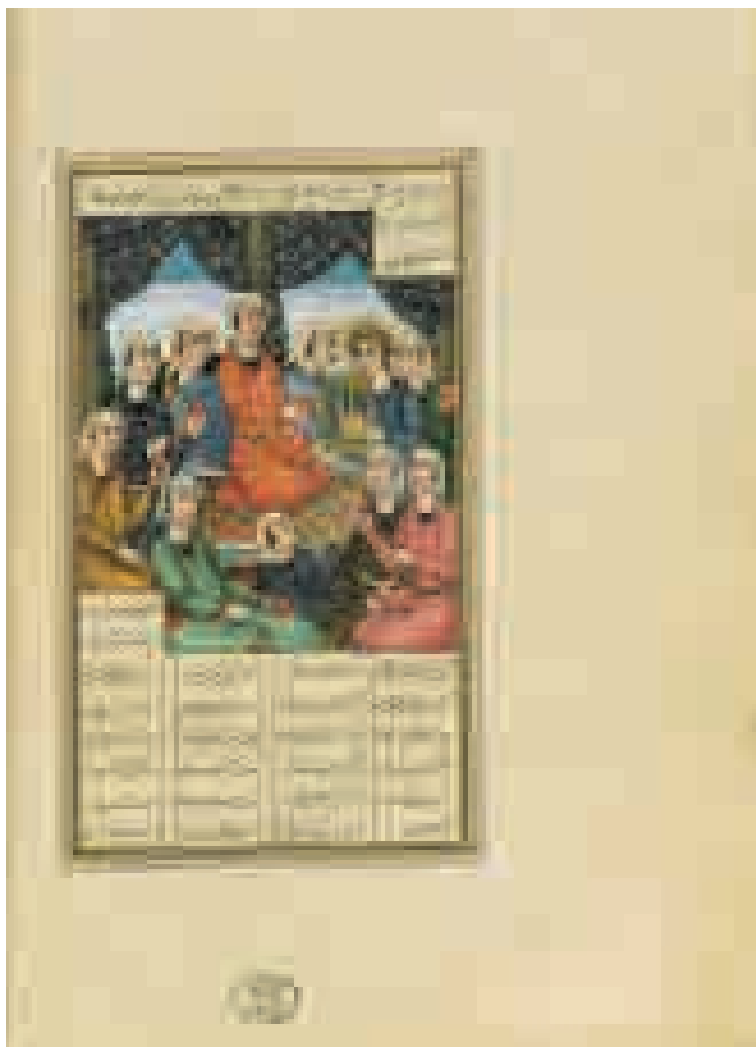
تصویر ۲۴ - سرلوح نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



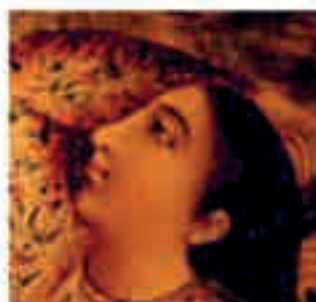
تصویر ۲۶ - مجلس دهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



تصویر ۲۵ - مجلس نهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



تصویر ۲۷ - مجلس یازدهم:
نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه
و موزهٔ ملی ملک



تصویر ۲۸ -
قلمدان، ایران، ۱۱۲۴ ه.ق.
شاهکار حاجی محمد
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۴۸)



گشتن زلیخا به جدایی یوسف» با ابعاد ۱۱۶ × ۱۲۹ میلی‌متر وجود دارد.

شعاع‌های نوری طلایی در پشت سر مقدسین و بزرگان، ملهم از شیوهٔ نگاره‌های مکتب هند و ایرانی است در حالی که در پیش از آن در مکاتب قبل تا دورهٔ صفویه به صورت شعله‌های طلایی تصویر می‌شد.

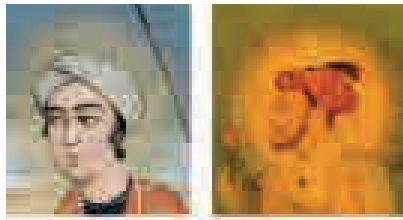
مجلس سیزدهم در صفحهٔ ۲۱۴ با موضوع «نکاح بستن یوسف علیه السلام زلیخا را به فرمان خدای تعالی و زفاف کردن» در حاشیهٔ نسخه با ابعاد ۱۳۵ × ۸۷ میلی‌متر به تصویر درآمده است.

می‌کردید، من کام خویش از او خواستم اما او خویشتن را از آلودگی برحذر داشت.

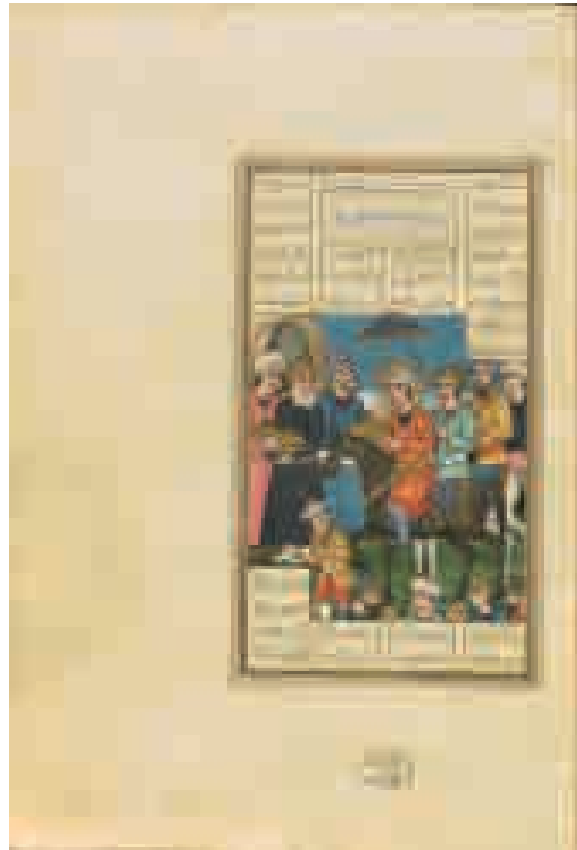
چهرهٔ زنان این نگاره متأثر از صورت بانوان هندی است که در این دوره تحت تأثیر نقاشی‌های مکتب هند و ایرانی به دورهٔ زند و قاجار راه یافته است. همان گونه که در دوره‌های قبل صورت نریبای زنان شبیه به چهرهٔ نژاد نررد یا مغولی بوده است در این دوره صورت زنان هندی را مشاهده می‌کنیم که حتی این تأثیرگذاری تا دورهٔ معاصر نیز ادامه یافته و نمونهٔ بارز آن آثار مرحوم استاد حسین بهزاد است.

در صفحهٔ ۲۰۶، نگارهٔ مربوط به «بیرون آمدن یوسف علیه السلام از زندان و وفات کردن عزیز مصر و مبتلا

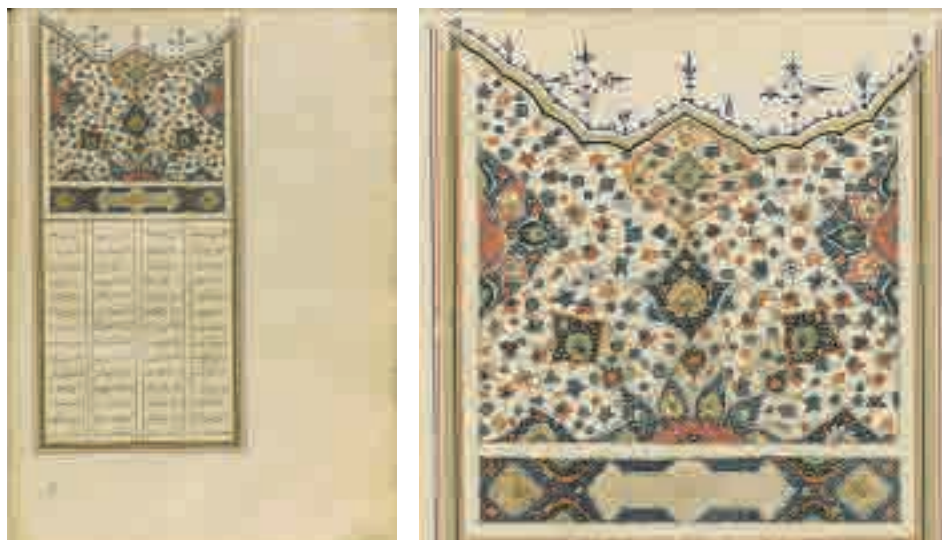
تصویر ۲۹ - مجلس دوازدهم:
نسخهٔ خمسهٔ جامی،
کتابخانه و موزهٔ ملی ملک



تصویر ۳۰ - داخل قاب آینه با درپوش،
هند، حدود ۱۰۱۰ ه.ق، تصویر شاه
جهان اثر منوهر. (Khalili, ۱۹۹۶, ۲۴۲)



تصویر ۳۱ - بخشی از مجلس سیزدهم:
نسخهٔ خمسهٔ جامی،
کتابخانه و موزهٔ ملی ملک



تصویر ۳۲ -
سرلوح نسخهٔ خمسۀ جامی،
کتابخانه و موزۀ ملی ملک

مجلس چهاردهم مربوط به اورنگ لیلی و مجنون در صفحهٔ ۲۷۴ با عنوان «ملاقات کردن مجنون به آشیان لیلی و خبر یافتن که مردم قبیلهٔ لیلی به جهت غارت سرفته‌اند و رفتن وی پیش لیلی» با ابعاد ۱۲۵ × ۱۱۹ میلی‌متر به تصویر درآمده است.

اورنگ چهارم این نسخه، لیلی و مجنون سروده شده در سال ۸۸۹ ه.ق. است. تاریخ کتابت بنا به نسخهٔ مورد نظر ۹۷۵ ه.ق. است. این اورنگ در صفحهٔ ۲۲۷ با سرلوح مذهبی به ابعاد ۱۱۹ × ۱۳۶ میلی‌متر در زمینهٔ نخودی آغاز می‌شود.



تصویر ۳۳ -
مجلس چهاردهم:
نسخهٔ خمسۀ جامی،
کتابخانه و موزۀ ملی ملک



تصویر ۳۴ -
مجلس پانزدهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی،
کتابخانه و موزهٔ ملی ملک

در صفحهٔ ۲۸۵ نسخه، مجلس پانزدهم با عنوان «شنیدن مجنون شوهر کردن لیلی را و اضطراب» در حاشیهٔ متن تصویر شده که ابعاد آن ۱۵۳ × ۹۹ میلی‌متر است.

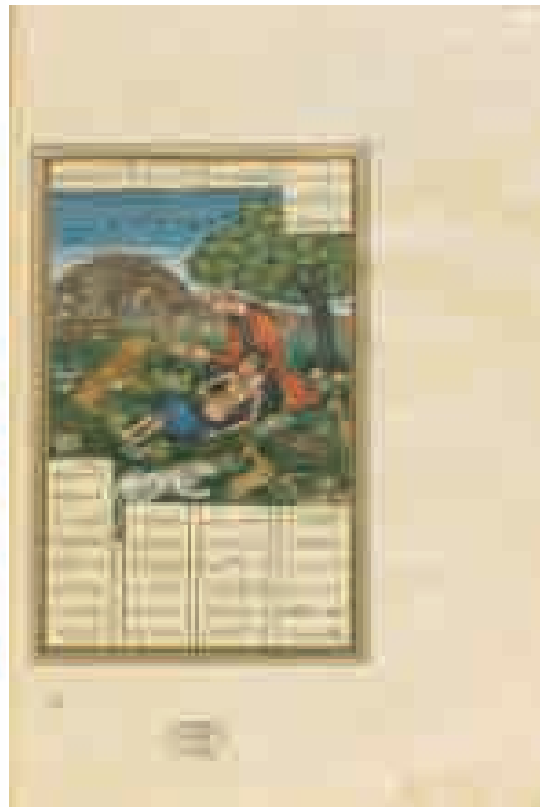
در صفحهٔ ۲۸۹، مجلس شانزدهم با عنوان «مجنون در میان حیوانات و در دامن لیلی رفتن مجنون» با ابعاد ۱۱۸ × ۱۳۹ میلی‌متر تصویر شده است.



تصویر ۳۵ - مجلس شانزدهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزهٔ ملی ملک

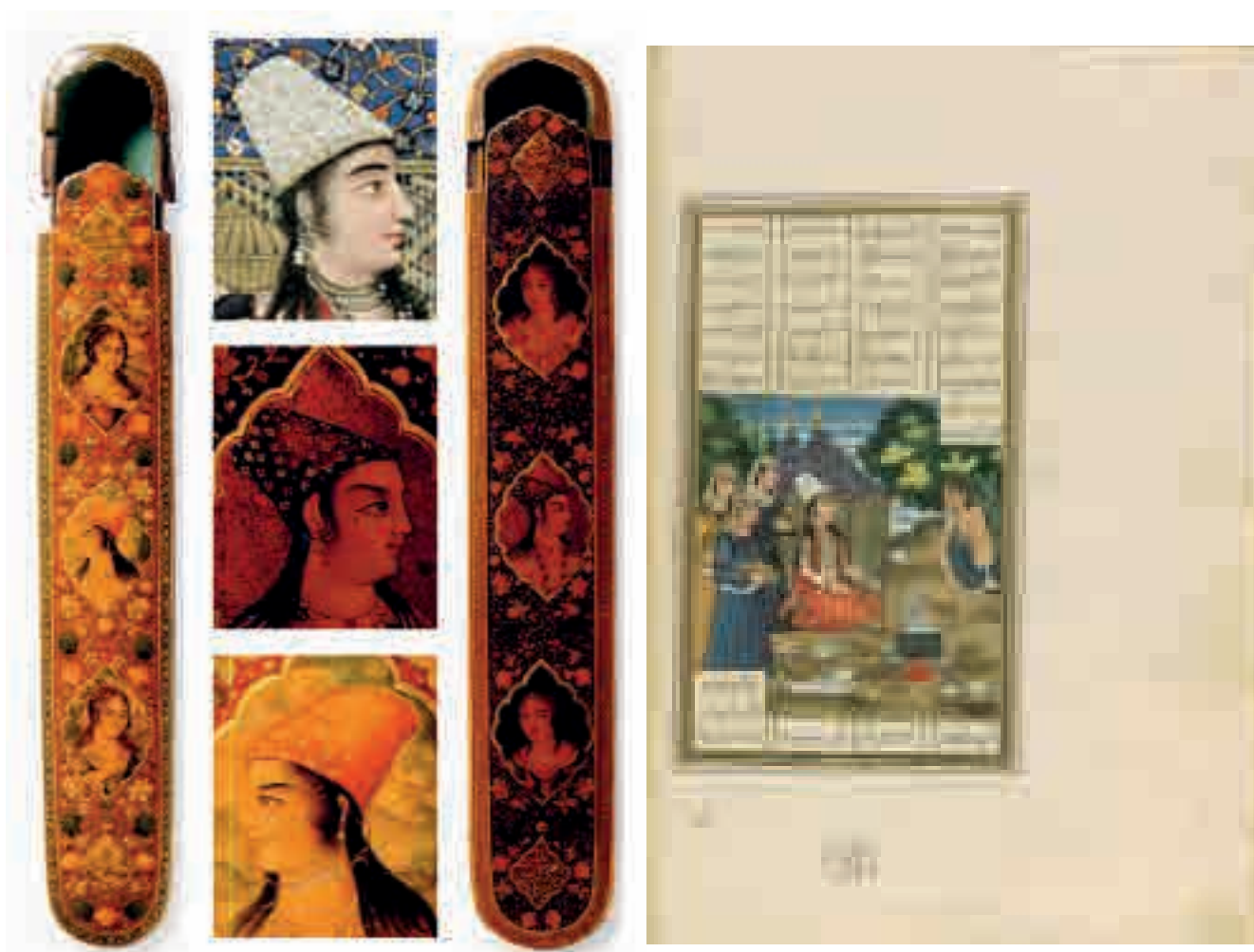


تصویر ۳۶ - روی قلمدان، کشمیر،
قرن ۱۲ هـ. ق، رقم کمترین الله وردی
(شاهزاده صفوی میرشکار)
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۸۶)



در صفحه ۳۰۷، مجلس مربوط به طفیل گدایان به
خیمه‌گاه لیلی و شکستن لیلی کاسه وی را با ابعاد ۱۱۸ × ۱۲۵
میلی‌متر وجود دارد.

در صفحه ۳۲۲، مجلس هجدهم با عنوان مجلس جشن
ازدواج یوسف و زلیخا با ابعاد ۱۱۶ × ۱۳۵ میلی‌متر آمده
است. احتمالاً این نگاره مربوط به اورنگ یوسف و زلیخا
بوده که در اورنگ لیلی و مجنون به تصویر درآمده است.



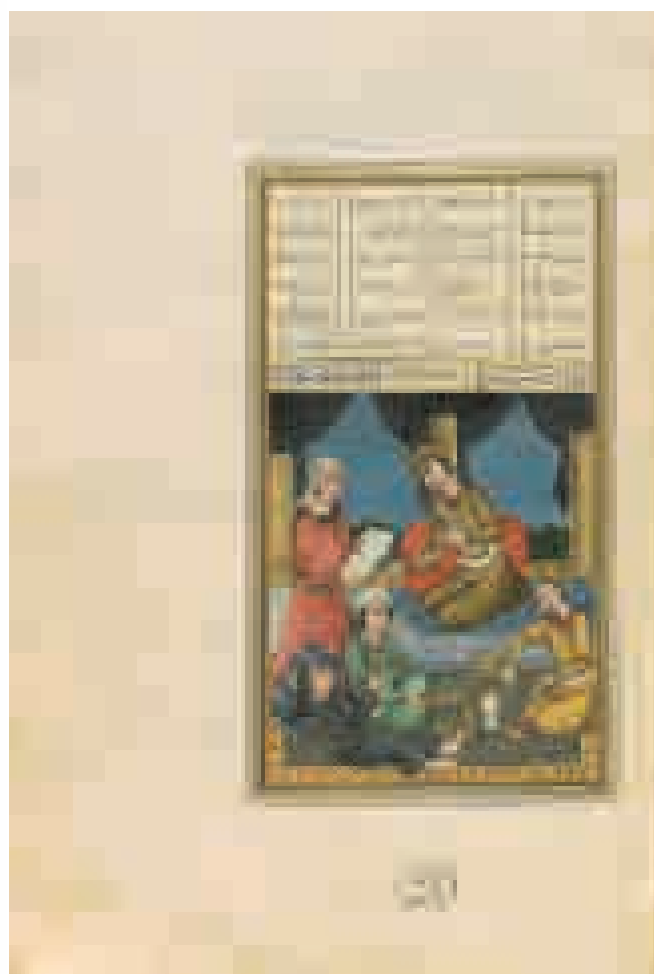
تصویر ۳۹ - قلمدان، در ترنج بالا: گلستان
ارم بت خانه چین (یار پیدا) شد
در ترنج پایین: از کلک یوسف آزاد این
صورت هویدا شد
احتمالاً محمد یوسف با نام مستعار آزاد
(خلیلی، ۱۳۸۶، ۵۱)

تصویر ۳۸ - قلمدان، شیوه علی اشرف،
آثار امضا شده وی ۱۱۵۲ تا ۱۱۶۸ ه.ق.
است (خلیلی، ۱۳۸۶، ۵۲)

تصویر ۳۷ - مجلس هفدهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



تصویر ۴۱ - درآینه، ایران، حدود ۱۲۱۲ ه.ق، احتمالاً محمد هاشم موسوی (خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۰۱)



تصویر ۴۰ - مجلس هجدهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

خردنامهٔ اسکندر در ۳۲۳ صفحه با سرلوح ۱۱۷ × ۱۳۰ میلی‌متری مذهب دس زمینهٔ لاجوردی آغاز می‌شود. این اورنگ سروده شده در حدود سال ۸۹۰ ه.ق. بوده اما تاریخی که در انتهای این اورنگ آمده ۹۸۵ ه.ق. است. مجلس نوزدهم در صفحهٔ ۳۳۸ با عنوان «داستان اسکندر که خود را به حال تواضع انداخت و از خاک تواضع بر لوح ترفیع سر برافراخت» در ابعاد آن ۱۱۸ × ۱۱۵ میلی‌متر آمده است.



تصویر ۴۲ - سرلوح نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزهٔ ملی ملک



تصویر ۴۳ - مجلس نوزدهم: نسخهٔ خمسهٔ جامی، کتابخانه و موزهٔ ملی ملک



تصویر ۴۴ - خمسهٔ نظامی، دورهٔ زند، قرن ۱۲ ه.ق. Koutlaki. 2010. 106.



تصویر ۴۵ - خاتمه کتاب نسخهٔ خامهٔ جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک



- ۱- میرزا شفیعا، مبدع خط شکسته نستعلیق
- ۲- میر محمد حسین رزه‌ای باخرزی، نستعلیق نویس
- ۳- میر خلیل قلندر، مشهور به پادشاه قلم، برادرزادهٔ میر محمدحسین باخرزی و رقیب جدی میر عماد در عهد صفوی
- ۴- شیخ محمود رزه، خوشنویس و شاعر
- ۵- محمدبن علاء الدین، خوشنویس
- ۶- محمد رزه‌ای، خوشنویس و ...

محمد بن علاء الدین رزه‌ای

وی که فرزند علاءالدین امر مردمر رزه باخرزی و امر شاگردان بلاواسطهٔ سلطان علی مشهدی است، تا سال ۵۹۹۳ ق. حیات داشته است. مصطفی عالی او را با نام علاءالدین محمد یاد کرده است (عالی افندی، ۱۳۶۹، ۱۳۱ و بیانی، ۱۳۶۳، ۷۲۲). همچنین بیانی اضافه می‌کند: او فرزند علاءالدین از مردم رزه باخرز و از شاگردان بی‌واسطهٔ سلطان علی مشهدی بوده است. بعضی محمد را شاگرد محمود شهابی سیاوشانی می‌دانند، ولی ظاهر این است که شاگرد پدر خود بوده، زیرا که به شیوهٔ سلطان علی نزدیک‌تر می‌نوشته است. حیاتش تا سال ۵۹۹۳ ق. معلوم و تاریخ وفاتش معلوم نیست.

از آثار وی دیده‌ایم: یک نسخه یوسف و زلیخای جامی، به قلم کتابت متوسط با تاریخ و رقم: «... تحریراً فی تاریخ شهر صفر سنهٔ ۹۶۸، کتبه العبد المذنب محمد

در صفحهٔ ۳۸۰ ترقیمهٔ کتاب وجود دارد که در آن چنین آمده: «به اتمام رسید و بحسن اختتام انجامید این درر المالی از منظومات حضرت مولانا و مخدومنا عبدالرحمن الجامی قدس الله سره فی تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۹۸۵ کتبه العبد المذنب محمد بن علاء الدین مرخره غفره ذنوبه و ستر عیوبه بولایت باخرز در قریهٔ رزه صورت تحریر یافت. تم «غلام شاه مردان احمد ابن هلو اردلان».

مشهد ریزه امر شهرهای استان خراسان رضوی ایران است. این شهر در سال ۱۳۸۴ با ارتقای روستای مشهد ریزه، مرکز بخش میان‌ولایت از توابع شهرستان تایباد تشکیل شد. نام اصلی این دیار رزه است که امر واژهٔ «رز» به معنای درخت انگور گرفته شده و دلیل آن هم وجود تاکستان‌های فراوان در ریزه است.

رزه از دیارات قدیمی باخرزی و سپس شهرستان تایباد بوده است. باور عامه دربارهٔ رزه چنین است که این مکان باقی‌ماندهٔ یک شهر بزرگ به نام شهر رضوان بوده که پس از افول دوران ترقی‌اش به یک روستا تبدیل شده و مرخره برگرفته از همان نام شهر رضوان است.

با قدمتی که امر ریزه بیان شد این دیار در طول تاریخ، مشاهیر و بزرگان بنامی را به عرصهٔ فرهنگ و هنر و عرفان اسلامی معرفی نموده است که امر این میان سهم خوشنویسان عمده‌تر امر سایرین است به طوری که چندین تن از بزرگان عرصهٔ خوشنویسی در این دیار پرورش یافته‌اند که از آن جمله‌اند:

حسنویه به امارت رسید. این خاندان به مدت صد و سی سال امارت کردند و گاهی، به ویژه در عهد حسنویه و بدر، در معاملات سیاسی منطقه تأثیرگذار بودند. قرار گرفتن دو پایگاه حکومتی این خاندان در شرق و غرب این مناطق، برقراری ارتباط میان این مناطق را منجر می‌شد؛ همچنین اقتضا می‌کرد حاکمان این مناطق، برای اداره منطقه و حفظ قدرت خود و نیز به منظور گردآوری مالیات، در پی ایجاد راه‌هایی برآیند... آن‌چه درباره اصل ایالت کردستان گفته می‌شود این است که در نیمه اول قرن ششم ه.ق. سلطان سنجر سلجوقی قسمت غربی ایالت جبال، یعنی آن‌چه از توابع کرمانشاه بود، جدا کرد و آن را کردستان نامید. سپس برادرزاده خود، سلیمان شاه را فرمانروای آن‌جا نمود (پیرگاری، ۱۳۹۳. ۴۱).

خسرو نام اردلان با جمعی از طایفه و ارقاب خود هجرت کرده و به ناحیه شهر زور آمده و حکومت مستقله یافته. در حسب و نسب اردلان چنان‌که ذکر شد اختلاف است، بعضی آن‌ها را از اولاد اردشیر بابکان می‌دانند و برخی از اولاد خسرو نام، آسیابان قاتل یزدجرد، شهریار عجم، می‌خوانند و جمعی برآنند که شخص اول اردلان نامش خسرو و آسیابان بوده و به دستیاری ابومسلم مروزی در زمان سفاح ابوالعباس احمد عباسی بر کردستان مستولی شد (سنندجی، ۱۳۶۶. ۹۰ و ۹۱).

از امرای مشهور کردستان اردلان (معاصر با شاه عباس صفوی)، هلوخان و پسرش خان احمد خان بودند. هلوخان برادر تیمورخان که شخص دانشمند و بسیار شجاع و رسیده بود، در سنه ۵۹۹۶ ه.ق. بر ممالک متصرفه برادر خویش مستولی و فرمان‌گذار شده با سلطان سلیم خان عثمانی خودسازی کرده از این طرف نیز با شهریار ایران خرمانه سازی نموده و از جانب روم و عجم خود را طرف حمایت و مراقبت قرار داده، بعد از چندی از قلعه ظلم و مریوان نقل نموده و در قلعه شامخه و با حصانت عالم بوده که هیچ یک از سلاطین روزگار به تسخیر آن قادر نبوده، هلوخان بر آبادی قلعه و استحکام آن افزوده بنای رفیع از مسجد و دکاکین و... گذاشته و از قلاع ظلم و مریوان و حسن آباد هم تعمیر کلی به عمل آورده و هر سه قلعه را در نهایت شکوه و استحکام آباد نمود، این هلوخان در شجاعت و رشادت و فراست و کیاست بهره کامل داشته و با رعایا و زبردستان با انصاف و عدالت رفتار کرده و با حکام و امرای قرب جوار خود بسیار شفیق و سازگار بود...

به تفاوت فصول در قلاع و اماکن اربعه زندگانی و حکمرانی کرده بعد از این که دولت و مکتب و احتشاد

بن علاءالدین رزّه غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در مجموعه آقای سلطان القرائی، تهران؛ یک نسخه دیوان حافظ، به قلم کتابت خوش که چنین تمام می‌شود: «تمت ال دیون اعجوبه البشر الطهر من الشمس و القمر، خواجه حافظ محمد شیرازی... فی تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۹۸۱، کتبه العبد المذنب محمد بن علاءالدین رزّه غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در همان مجموعه؛ یک نسخه هفت اورنگ جامی، به قلم کتابت عالی با رقم و تاریخ: «محمد بن علاء الدین، سنه ۹۷۷» در کتابخانه رامپور، هند؛ یک نسخه دفتر دوم سلسله الذهب جامی، به قلم کتابت خوش با تاریخ و رقم: «تحریراً فی تاریخ غره شهر شعبان المعظم سنه ۹۶۹. کتبه العبد المذنب [میرعلی ابن میر] محمد الکاتب رزّه، ستر عیوبه و غفر ذنوبه» در کتابخانه سلطنتی (که کلمات «میرعلی ابن میر» آن به وضوح معلوم است که الحاقی است)؛ یک نسخه تیمورنامه هاتفی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «با تمام رسید... از منظومات مولانا عبدالله هاتفی نور مرقد، فی تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۹۹۳، جهت سرکار حضرت سیادت سپاه مخدومی امیر سید الحسینی، نوشته شد. کتبه العبد المذنب محمد الکاتب رزّه ولایت باخرز، در قریه رزّه، صورت تحریر یافت» در کتابخانه شورای ملی، تهران (بیانی، ۱۳۶۳. ۷۲۲ و ۷۲۳).

اما در مورد باخرز در دانشنامه جهان اسلام چنین آمده است: باخرز، بخش و شهری در استان خراسان. بخش باخرز در شهرستان تایباد، در مشرق استان خراسان در ناحیه قدیمی باخرز، مشتمل بر دهستان‌های بالا ولایت و باخرز است. رشته کوه‌هایی با جهت شمال غربی - جنوب شرقی در آن امتداد دارد. کوه باخرز (مرتفع‌ترین قلّه: ۱۷۵۵ متر) در ناحیه باخرز واقع است. علاوه بر رشته قنات‌های میروس، ریگستان و تقی آباد، رود روس و ریزابه‌های آن، کال کوه سفید و شهرنو که به هریرود می‌ریزند، اراضی باخرز را مشروب می‌کنند. در باخرز بادهای خشک و سوزان می‌وزد و در اراضی آن (کوه و دشت)، درختان گز و تاغ و پنبه یافت می‌شود (میرسلیم، ۱۳۷۵. ۱۳۱).

خاندان اردلان

کردستان جزو مناطقی است که جغرافی دانان قرون اولیه اسلامی، از آن به عنوان جبال نام برده‌اند. در زمان آل بویه، خاندان کرد بنی حسنویه در دینور، واقع در شرق اردلان و شهر زول (شهر خور) در غرب اردلان امارت داشتند. مؤسس این خاندان، حسنویه بن حسین برزکانی، معاصر رکن الدوله دیلمی بود و پس از او پسرش، بدر بن

و جمعیت خود را وافر دیده همفاد «ان الانسان لیطفی»
دائمه فرمانفرمایی مستقله داشته و مملکت خود را دولت
و مکنت خود را دولت علی حده پنداشته و بنای بی‌مبالاتی
سلاطین روم و عجم گذاشته است تا در سنه ۱۰۱۲ ه.ق.
شهریاری ایران شاه عباس ماضی ده هزار نفر سپاه جرار به
سرکردگی حسین خان حاکم لرستان به عزم تأدیب هلوخان
و تسخیر کردستان مأمور و روانه نمود. سردار و سپاه در
موقعی که هلوخان در قلعه حسن آباد بوده وارد شده و
قلعه را محاصره کرد. با این که در آن موقع جمعیت قلیلی
در میان قلعه و در نزد هلوخان حاضر بود، قشون مأمور
کاری از پیش نبرد. در سه چهار مصاف شکست فاحش یافته
آخر الامر هلوخان امری توقف قلعه و محاصر قشون بیگانه
ملول شده دامن غیرت و جمعیت به کمر زده و با جمعیت
حاضر از قلعه بیرون آمده و در مقابل سپاه الوار به محاربه
و مقاتله مشغول گشته سردار و سپاه مرا شکست فاحش
داد، جمعی قتل و برخی اسیر و مابقی فرار کردند (همان،
دارد.

۱۰۱ تا ۱۰۳). بعدها روابط وی با شاه عباس بهبود یافت و
کانون الطاف شاه قرار گرفت؛ تاجایی که شاه عباس خواهر
خود، زرین کلاه را به خان احمد خان داد و فرمان حکومت
کردستان، به انضمام شهر زور را برای خان احمد خان صادر
کرد (پرگاری، ۱۳۹۳، ۴۲).

اکثر مورخان بر این عقیده‌اند هلوخان یکی از
بزرگ‌ترین و قدرتمندترین حکمرانان اردلان بوده است، «در
تکثیر سپاه و تنظیمات قشون، نهایت جد و جهد را داشته و
از هر حیث، اطمینان خاطر حاصل نموده و به هیچ کدام از
دولتین ایران و روم اعتنا نکرده و با استقلال حکومت کرده»
است (مطلبی، ۱۳۹۰، ۱۱۱۹).

در خاتمه نسخه نامر هلو اردلان به نسخه با کتابتی
متفاوت اضافه گردیده که مشخص می‌کند این نسخه در
آن زمان در اختیار آن خاندان بود.

در صفحه آخر یک ترنج طلایی با زمینه مذهب وجود
دارد.



تصویر ۴۶ - قلمدان، برجسته، وسط یا الله، دوطرف:
از خط به سر مهرتو بوی عبیر می‌وزد،
به تقلید از اثر ابوطالب و رجب علی (خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۷۳)

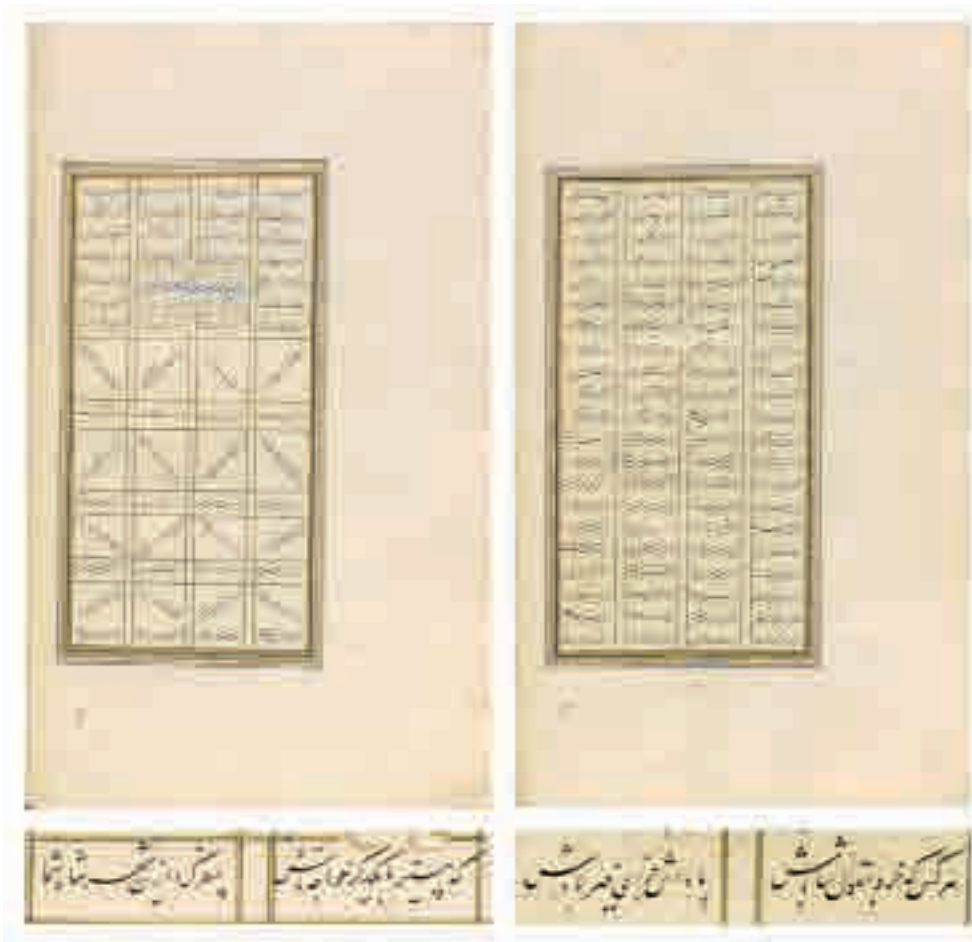




تصوير ٤٩ - يوسف و زليخا ٨٨٨ هـ.ق.
نسخة خمسة جامي،
كتابخانه و موزه ملی ملك

تصوير ٤٧ - تحفه الاحرار
(مورخ ٨٤٦ هـ.ق) نسخة خمسة جامي،
كتابخانه و موزه ملی ملك

تصوير ٤٨ - سبحة الابرار (٨٧٧ هـ ق)
نسخه خمسة جامي،
كتابخانه و موزه ملك



تصویر ۵۱ - خردنامه اسکندری (حدود ۸۹۰ ه.ق.)،
نسخهٔ خمسة جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

تصویر ۵۰ - لیلی و مجنون (۸۸۹ ه.ق.)،
نسخهٔ خمسة جامی، کتابخانه و موزه ملی ملک

تحفه الاحرار



سبحة الابرار



یوسف و زلیخا



لیلی و مجنون



خردنامه اسکندری (حدود ۸۹۰ ه.ق.)





تصویر ۵۳- پشت جلد، نسخهٔ خمسۀ جامی، کتابخانه و موزۀ ملی ملک



تصویر ۵۲- داخل پشت جلد نسخهٔ خمسۀ جامی، کتابخانه و موزۀ ملی ملک

اسنادی، دوگانگی خرمان، مشخص می‌کند کتابت در یک دوره و تکمیل نسخه در دورهٔ دیگر انجام شده است که در کتاب‌آرایی ما سابقه دارد. به عنوان نمونه می‌توان به نسخهٔ خمسۀ نظامی مکتب تبریز اشاره کرد که اصل آن در زمان شاه تهماسب تهیه شده و چهارم صفحهٔ آن توسط محمد زمان در زمان شاه عباس دوم، پس از یک صد سال ساخته شده است. اگر بخواهیم در نظر بگیریم نسخه جعلی است باید متذکر شویم جاعلان نسخ خطی سعی می‌کنند که نسخه‌ای یک دست در ظاهر، آماده کنند، بدون تفاوت در تاریخ استنساخ و دورهٔ نگاره‌ها، تا بتوانند به راحتی این نسخه‌ها را به فروش برسانند.

با توجه به مطالب گفته شده فرضیهٔ مقاله اثبات و به سؤال مقاله پاسخ داده شد.

با مقایسهٔ خطوط این پنج اورنگ به این نتیجه می‌رسیم که رنگ کاغذ، نوع جدول کشی و کتابت در تحفه الاحراس که اولین تاریخ را دارد کاملاً با اورنگ‌های بعدی متفاوت است و می‌توان تشخیص داد که اولی قدیمی‌تر است.

داخل پشت جلد لچک ترنجی همانند روی جلد دارد.

نتیجه‌گیری:

یکی از نسخ خطی بسیار زیبا و ارزشمند موجود در کتابخانه و موزۀ ملی ملک، خمسۀ جامی است. خوشنویسی و ادبیات هر دو، پدیدهٔ هنری هستند و خاستگاه واحد دارند و تنها اختلاف آنها در تجلیات بیرونی آنهاست. یعنی ادبیات در قالب الفاظ خودنمایی می‌کند و خوشنویسی به صورت خطوط متنوع و متعدد ظاهر می‌شود.

با تحلیل نقوش و مقایسهٔ چهرهٔ پیرمرد در مجلس اول با چهرهٔ پیرمردی اثر قلمدان مکتب زند و قاجار، ابرهای مجلس سوم نسخه با ابرهای قاب آینه اثر محمد هاشم، همچنین ابرها و فرشته‌های مجلس چهارم با قاب آینه اثر محمد هاشم، دستارها و تاج مجلس پنجم با آثار لاک‌مربوط به مکتب زند و قاجار، پیرخاکش مجلس ششم با چوپان اثر رضا عباسی و ... همچنین با توجه به یافته‌های

- منابع:**
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳). احوال و آثار خوشنویسان. ج ۳ و ۴. تهران: انتشارات علمی.
- پارسای قدس، احد. (۱۳۵۶). «سندی مربوط به فعالیت‌های هنری دوره تیموری در کتابخانه بایسنغری هرات». دوره ۲. ش ۱۷۵. صص ۴۲-۵۰. تصویر.
- پاکباز، روئین (۱۳۸۰). نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
- پرگاری، صالح. تفسیری، سید برهان. تکوین راه‌های ارتباطی کردستان (اردلان) از دوره سلجوقی تا پهلوی، با تکیه بر قدرت گیری خاندان اردلان. پژوهش‌های تاریخی. دانشگاه اصفهان. س ۵۰. دوره جدید. سال ۶. شماره اول (پیاپی ۲۱). بهار ۱۳۹۳. صص ۵۴ - ۳۹.
- تجویدی، اکبر (۱۳۴۵). کتاب آرایه در ایران. دوره ۵. ش ۴۹. آبان. صص ۵ - ۹.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (بی‌تا) هفت اورنگ. تصحیح و مقدمه آقا مرتضی مدرس گیلانی. چ ۲. تهران: کتابفروشی سعدی.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۶). مجموعه هنر اسلامی. بزیل رابینسون، تیم استنلی؛ با همکاری منیژه بیانی. تهران: کارنگ.
- رومر. اچ. آو. (۱۳۸۷). تاریخ ایران کمبریج. مترجم: تیموسر قادری. مهتاب - شهر کتاب.
- سنندجی، میرزا شکرالله (۱۳۶۶). تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تهران: امیر کبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴). تاریخ ادبیات در ایران، از پایان قرن بیستم تا اوایل قرن دهم. ج ۴. تهران: فردوسی.
- مطلبی، مطلب (۱۳۹۰). جایگاه و وضعیت حکمرانی والیان اردلان در دوره صفوی. پیام بهارستان. د ۲. س ۴. ش ۱۴. صص ۱۱۱۷ - ۱۱۲۴.
- میرسلیم، سید مصطفی (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۸). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. تهران: سمت.
- منزوی، احمد (۱۳۷۵). فهرست‌واژه کتاب‌های فارسی. ج ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Braziller, Georg. (1939). Persian Painting. New York.
- Khalili, Nasser (1996). Lacuer of The Islamic Lands. Collection of Islomic Art. Part ۱. Oxford university. New York
- Rezapour, Sonia. (2007). The Splendour of Iran III. Yassavoli. Tehran